

## جنسیت و رابطه آن با سلامت

### جنسیت و تأثیر آن بر شرایط سلامت افراد جامعه

یکی از دغدغه‌های اساسی بشر از هنگام اولین تجمعات در کنار یکدیگر، مسئله سلامت - بیماری بود. هر جامعه‌ای باید برای پایداری و بقا، افراد بیمار جامعه خود را معالجه کرده و از ابتلای آنان به بیماری جلوگیری کند. با توجه به سطح آگاهی و دانش جوامع ابتدایی، این امر بر عهده درمان‌گرانی بوده که با استفاده از تمهیدات گوناگون به معالجه افراد و جلوگیری از شیوع بیماری‌ها می‌پرداختند. در تمدن‌های باستانی و کهن، پزشکان بنا بر اطلاعات موجود زمان خود، از شیوه‌های متفاوت برای درمان بیماری استفاده می‌کردند. به تدریج از سده‌های شانزدهم و هفدهم به بعد، علوم مختلف به پیشرفت‌هایی دست یافتند و اطلاعات در مورد ویژگی‌های بدن، علل بیماری و راه‌های مقابله با آن بیشتر شد و حرفه پزشکی، اهمیتی متفاوت با گذشته در جامعه پیدا کرد.

اهمیت پزشکی و بهداشت (سلامت)، در قرن بیستم به اوج خود رسید و پزشکان دارای پایگاه اجتماعی بالایی در جامعه شدند. شرایط خاص برای ورود به حرفه پزشکی مشخص و چگونگی تحصیلات پزشکی تنظیم شد. نظارت بر کار پزشکان از طریق سازمان‌های پزشکی صورت گرفت و بخشی از بودجه‌های مملکت به بهداشت و پزشکی تخصیص یافت. بسیاری از جنبه‌های زندگی که زمانی به عنوان طبیعی در نظر گرفته می‌شدند، زیر نظارت پزشکی قرار گرفتند برخی از رفتارها که به عنوان طبیعی در نظر گرفته می‌شدند، زیر نظارت پزشکی قرار گرفتند، برخی از رفتارها که به عنوان انحرافی در نظر گرفته می‌شدند، تحت عنوان بیماری طبقه‌بندی شده و در محدوده روان‌پزشکی قرار گرفتند و در نهایت، افراد جامعه برای بسیاری از فعالیت‌های زندگی (تولد، مرگ، گواهی سلامت و یا بیماری) خود، به تشخیص پزشکی وابسته شدند. در حال حاضر که مسائل مربوط به پزشکی، بهداشت و سلامت بر تمام جنبه‌های زندگی افراد تأثیر دارد، پدیده‌ای به وجود آمده که در اصطلاح از آن تحت عنوان پزشکی شدن جامعه نام می‌برند (ادام، ۱۳۸۵: ۶۵-۴۵).

نشانه‌های مهم پزشکی شدن جامعه عبارتند از:

۱- **رشد نهاد پزشکی:** که به اهمیت یافتن آن در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی انجامیده است. امروزه تعداد زیادی از افراد در امر بهداشت و پزشکی فعالیت دارند و بودجه‌های مربوط به بهداشت در بسیاری از جوامع درصد بالایی از بودجه عمومی را شامل می‌شود.

**۲- پزشکی شدن وقایع طبیعی و روزمره زندگی:** بسیاری از وقایعی که در دوران قبل به عنوان بیماری در نظر گرفته نمی‌شد، امروزه زیر نظارت پزشکی و بهداشت قرار گرفته است. به عنوان نمونه می‌توان از زایمان و بارداری نام برد که امروزه با عناوینی مانند مراقبت‌های پیش از زایمان، تولد و مراقبت‌های بعد از زایمان زیر نظارت نهاد بهداشت قرار دارد. همچنین وقایع طبیعی زندگی، مانند زیبایی، چاقی و یا افزایش سن، امروزه زیر نظارت نهاد پزشکی معنا و مفهومی دیگر یافته است.

**۳- پزشکی شدن رفتارهای انحرافی:** بسیاری از رفتارها که زمانی بزهکارانه و یا غیراخلاقی محسوب می‌شدند، امروزه به منزله جزئی از مسائل پزشکی (روان پزشکی) در نظر گرفته می‌شوند و به جای تنبیه و مجازات، سعی در معالجه آنها می‌شود. مانند اعتیاد، مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان، انحرافات جنسی، خودکشی و...

**۴- پذیرش و عمومی شدن پزشکی از طرف افراد جامعه:** افکار عمومی، امروزه منشأ مقابله با بسیاری از مشکلات شخصی و اجتماعی را علم پزشکی می‌دانند. افراد دارای رفتار غیرطبیعی بیمار در نظر گرفته می‌شوند. برای رهایی از انواع ناراحتی‌ها از داروهای مختلف استفاده می‌شود. انواع قرص‌ها به خواب، بیداری، کاهش یا افزایش اشتها و آرامش و تسکین افراد کمک می‌کنند. برای بسیاری از وقایع طبیعی زندگی، احتیاج به تأیید و گواهی پزشکی وجود دارد. گواهی تولد، خدمت نظام وظیفه و معافیت از آن محتاج گواهی پزشک است، برای استخدام احتیاج به گواهی سلامتی وجود دارد و حتی مرگ افراد نیز محتاج گواهی پزشکی است.

اهمیت توجه به طیف سلامت- بیماری به این علت است که امروزه دیگر بیماری و فرد بیمار به عنوان یک مسئله فردی که به ایجاد مشکلات جسمانی یا روانی برای یک فرد می‌انجامد در نظر گرفته نمی‌شود. فرد بیمار نه فقط از مشارکت در فعالیتهای اجتماعی به دور مانده است بلکه مشکلاتی برای خانواده خود به وجود می‌آورد و در عین حال برخی از بیماری‌ها مسئله حادی را در جامعه به وجود آورده‌اند. در نتیجه با توجه به مشکلات فردی - خانوادگی و اجتماعی ناشی از بیماری، سعی در درمان و پیشگیری از ابتلا به بیماری می‌شود. در اثر پیشرفت‌های مهمی که در تکنولوژی پزشکی رخ داد افزایش دانش و اطلاعات در مورد بیماری و چگونگی درمان و وجود بیمارستان‌های بسیار پیشرفته در دهه‌های اخیر، نگاه متوجه مفهوم سلامت و نه بیماری در جامعه شده است. اگر زمانی افرادی را که بیمار نبودند به عنوان سالم در نظر می‌گرفتند، تعریف امروزی از سلامت فقط به بیمار نبودن منتهی نمی‌شود. امروزه تعریف سلامت، به موقعیت آسایش کامل روانی، جسمانی و اجتماعی افراد اطلاق می‌شود. افراد جامعه، نه فقط نباید بیمار باشند و نه فقط نباید از ابتلا به بیماری جلوگیری شود بلکه باید در وضعیت سلامت یعنی آسایش کامل جسمانی، روانی و اجتماعی قرار گرفته باشند و شرایط اجتماعی باید به نوعی شکل گرفته باشد که ارتقای سلامت را با خود

همراه داشته باشد (Hubley, ۲۰۰۸). مبحث سلامت در سازمان‌های بین‌المللی نیز مطرح است و سلامت برای همگان، حق افراد در نظر گرفته می‌شود و نابرابری عظیم سلامت که در میان جوامع مختلف و در میان افراد یک جامعه وجود دارد، به عنوان مانعی برای رشد و توسعه اقتصادی تلقی می‌شود (ادام، ۱۳۸۵: ۶۷؛ Hubley, ۲۰۰۸: ۱۹۶).

## عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

هرچند که سلامت به یقین دارای ابعاد جسمانی است اما بررسی‌های متعدد جامعه‌شناسی مشخص کرده‌اند که شرایط اقتصادی - اجتماعی روی سلامت جسمانی تأثیرگذار است. امکان ابتلا به بیماری‌های مختلف در میان طبقات مختلف یک جامعه و همچنین در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه با یکدیگر متفاوت است. برای دارا بودن سلامت در زندگی، عوامل متعدد اجتماعی و اقتصادی که معمولاً تحت عنوان فقط نام‌گذاری می‌شود، دخالت دارند.

اما تأثیر جامعه فقط به دخالت در شرایط اقتصادی محدود نمی‌شود بلکه ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه، بر طیف سلامت- بیماری اثرگذار هستند. اگر فردی با هنجارهای رایج در جامعه که فرد تندرست را تعریف می‌کنند انطباق نداشته باشد، بدون توجه به سلامت جسمانی یا روانی واقعی، از مشارکت در جامعه به کنار گذاشته می‌شود. عدم انطباق با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مسئله‌ای است که باید در مورد آن توجه خاص داشت. از طرف دیگر، نوع جدیدی از بیماری‌های وابسته به فرهنگ نیز مشاهده شده است که در این حالت افراد برای آنکه خود را در قالب هنجارهای موجود جامعه قرار دهند، دست به رفتارهای خاصی می‌زنند که به بیماری آنان منجر خواهد شد.

بنابراین می‌توان گفت که توجه به عوامل زیر در مقوله سلامت بسیار مهم است.

(۱) اگر به هر دلیل فردی در قالب هنجارهای رایج جامعه قرار نگیرد و او را به سبب دارا بودن ویژگی خاصی از مشارکت اجتماعی به دور نگاه دارند، امکان بیمار شمردن او نیز وجود دارد. (نمونه تاریخی این رفتار، بیماری هیستری در مورد زنان است که در قرن نوزدهم به عنوان بیماری رایج زنان مطرح می‌شد).

(۲) اگر در جامعه‌ای معیارهای خاصی برای افراد سالم و تندرست در نظر گرفته شود، امکان دارد افرادی که در این معیار نمی‌گنجد، برای دستیابی به معیار رایج جامعه، دست به رفتارهای بیمارگونه بزنند و به این ترتیب، سلامت خود را به خطر اندازند. (برای بیان نمونه مشخص بیماری وابسته به فرهنگ می‌توان از آنورکسیا نام برد که در میان دختران جوان غربی دیده می‌شود).

۳) حالت دیگر، وجود هنجارهایی در جامعه است که به برخی از افراد امتیازاتی داده و دیگران را از این امتیازات منع کرده است و به دور نگاه می‌دارد. در نتیجه گروه به دور مانده از امتیازات اجتماعی به دلیل عدم برخورداری از منابع کمیاب اجتماعی، عملاً در معرض مخاطرات سلامتی قرار خواهند گرفت. (نمونه مشخص، وجود بیماری‌های پوست، مو و اندام در زنان ایرانی است که ناشی از عدم تحرک آنان به دلایل مشکلات و کمبودهای اجتماعی است.)

برگرفته از کتاب: دگرگونی در نقش زنان

نویسنده: دکتر شهلا اعزازی